

چند نکته در باره سفرهای استانی



محمد هاشمی

تحلیلگر مسائل سیاسی

سفرهای استانی‌س به این صورت و شکل در دولت‌های گذشته چندان سابقه‌ای ندارد و در دولت‌های مرحوم آیتا... هاشمی و آقای خاتمی سفرهای اینگونه به استان‌های کشور مرسوم نبود. بلکه روال به اینگونه بود که در یک دوره چهار سال به هر استان یک بار سفر می‌کردند. مگر در مواردی که پروژه مهمی در یک استان احداث می‌شد که برای افتتاح آن طرح نیز سفر استانی ویژه انجام می‌شد. اما اینکه شاهد باشیم هر هفته رئیس جمهور به یک استان سفر کند نبود. البته تعداد استان‌ها محدود است و با این روشی که آقای رئیسی در پیش گرفته و هر هفته به یک استان می‌رود در شش ماه اول ریاست جمهوری خود یک دور همه کشور را سفر خواهد کرد. گرچه چون سفرهای رئیس جمهور یک روزه و کوتاه است نمی‌تواند به همه جای استان و شهرها و روستاها رسیدگی کند. در حالی که در سفر آقای هاشمی و آقای خاتمی اینگونه نبود بلکه یک سفر ۴ یا ۵ روزه می‌رفتند و رئیس جمهور از پروژه‌ها، شهرها و حتی روستاها در مسیر بازدید کرده و با مردم دیدار می‌کرد. در حقیقت سفر استانی همه استان را در بر می‌گرفت نه یک گزینه خاص یا مرکز استان. هر چند که برخی از این سفرها موجبات برخی گزلیه‌ها را فراهم آورده که چرا وقتی رئیس جمهور به استان ما آمد به فلان شهر یا روستا سر نزد. همین الان در فضای مجازی و برخی رسانه‌ها اینگونه تبعیض‌ها دیده می‌شود. منشا این مسائل نیز اینجا است که رئیس جمهور صرفا به مرکز استان، یکی دو شهر یا روستا می‌رود. بنابر این با این رویه‌ای که آقای رئیسی در پیش گرفته پس از شش ماه به خوبی معلوم می‌شود که نتایج این سفرهای استانی چه بوده و آیا هزینه‌هایی که برای این سفرها شده آنقدر بازدهی و برای مردم سودآوری داشته است یا نتایج مطلوبی حاصل نشده است. به هر حال این سبکی است که دولت شروع کرده و مشکلات مردم را از نزدیک می‌بیند و معتقد است اینگونه بهتر می‌توان به مشکلات مردم پی‌برد و درصدد حل آن بر آمد. البته نباید از یاد برد که مشکلات وجود دارد اما حل شدنی است و زمان می‌برد. اینگونه نیست که با یک سفر یک روزه تمامی مشکلات یک استان زوده شده و حل شود. این در حالی است که اگر بعد از شش ماه نتایجی که باید از این سفرها گرفته نشود و مصوبات دولت در این استان‌ها به بار ننشینند این موضوع بیشتر باعث رنجش و ناراضی‌تای مردم می‌شود و تاثیر منفی این سفرها ممکن است بیش از گذشته در اذهان افکار عمومی نقش ببینند. البته اینکه گفته می‌شود در شرایط تحریم و مشکلات اقتصادی لزومی به سفرهای استانی نیست، چراکه سفرهای استانی برای حل مشکلات استان‌ها و شهرستان‌هاست و جنبه اداری دارد اما بحث تحریم مشکلات اقتصادی جنبه ملی و کلی دارد که باید در جای خود مورد بحث، بررسی و حل و فصل قرار گیرد.

دیدگاه

اداره اقتصاد ایران بدون خلق پول؟

ادامه از صفحه اول /

اینها اسمش اوراق بدهی نیست و به دلیل توان فنی و اجرایی موجود، دولت می‌تواند سیاست‌های انگیزشی برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام اتخاذ کند. همانند دوران جنگ مواردی مشخص شود و به وزارت خزانه‌های اقتصادی مثل نیرو، راه و ترابری و نفت اجازه دهند برای تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام خود، اوراق بهادار در موارد مشخص منتشر کنند. این شیوه نه تنها خلق پول تلقی نمی‌شود، بلکه کنترل نقدینگی موجود در جامعه‌است و آقای رئیسی هم در دوران انتخابات گفتند باید زمینه‌ای فراهم کنیم تا بورس اجزای برای تأمین منابع دستگاه‌های اقتصادی باشد و این روش، هم باعث رشد اقتصادی و هم ایجاد اشتغال می‌شود. انتشار اوراق بدهی برای تأمین کسری بودجه دولت یا برداشت از صندوق توسعه ملی برای هزینه‌های جاری کشور کار درستی نیست، این کار در دولت‌های گذشته هم بعضا صورت می‌گرفته است. به‌عنوان نمونه، وقتی نماینده وزارت اقتصاد در حساب ذخیره ارزی بودم، تا آبان ۸۶ توانسته بودیم ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار به پروژه‌های توسعه‌ای تزریق کنیم. اما در همان زمان هم احمد توکلی، رئیس وقت مرکز پژوهش‌ها اعلام کرد ۸۲ درصد برداشت از صندوق ذخیره ارزی توسط دولت و برای جبران کسری بودجه انجام شده است. همچنین طبق اساسنامه صندوق توسعه ملی، پرداخت‌های صندوق باید به صورت ارزی باشد و تبدیل ارز به ریال باعث تورم می‌شود، چون باعث افزایش پایه پولی می‌شود و در نتیجه نقدینگی ما زاد، ایجاد تورم نمی‌کند. در بودجه سال آینده باید تلاش شود سهم بازار سرمایه در تأمین منابع مالی بود ۲۰ درصد برای سرمایه‌گذاری‌های جدید، از ۵ درصد به ۴۰ درصد برسد و انتشار اوراق بهادار برای پروژه‌های مشخص و از پیش تعیین شده انجام شود؛ چون اگر روش فعلی ادامه پیدا کند، شاید آمارها و ارقامی که این روزها درباره پیش‌بینی قیمت دلار مطرح می‌شود، رنگ واقعیت به خود بگیرد. امکان تأمین شرکت‌های بورسی سهامی‌عام پروژه محور تصویب شده که تاکنون شکل نگرفته و این شرکت‌ها اکنون می‌توانند موثر باشند. همچنین دولت با قوانین و دستورالعمل‌های خاص می‌تواند همانند دیگر کشورها مالیات بر سود خرید و فروش زیاد از حد سهام اعمال کند تا مانع سوداگری شود. بورس یک ابزار کارآمد در اختیار دولت‌هاست که دولت‌ها ما از آن استفاده درست نکرده‌است. دولت بدون خلق پول می‌تواند سیستم انگیزشی برای ساخت آزادراه‌ها، راه‌آهن، نیروگاه‌ها، ساخت سد با تضمین خرید برق و موارد عمرانی این گونه ایجاد کند و در همین وضعیت کنونی هم ممکن است. این رویکرد حتی مزیت‌های امنیتی هم می‌تواند برای کشور داشته باشد و به‌عنوان نمونه اگر با همین شیوه آزادراه تبریز-بازرگان را ساخته بودیم تا ایران از طریق ترکیه به شبکه آزادراهی اروپا دست پیدا کند و منافع ترکیه به ما گره خورده بود، مسائل اخیر نظیر تحرکات جمهوری آذربایجان رخ نمی‌داد.

اسماعیل گرامی مقدم در گفت و گویا «آرمان ملی»:

مردم «صداقت» ببینند؛ می‌آیند پای کار

سفرهای استانی بر نامه‌ریزی دقیقی ندارد

آزادی‌های سیاسی و آزادی بیان در اولویت‌های بعدی

رئیس جمهور باشد



آرمان ملی: با آغاز به کار رسمی دولت سیزدهم لزوم بازیابی اعتماد عمومی مردم بیش از گذشته احساس می‌شود. در شرایطی که مردم در شرایط بغرنج اقتصادی و معیشتی به سر می‌برند و بیش از گذشته از روندهای معمول و عملکردهای مسئولان ناراضی‌اند که باید اقداماتی صورت بگیرد که اولاً با رفع برخی مشکلات اقتصادی میزانی از بازگشت اعتماد عمومی کوشش شود. در این راستا برای بررسی سرمایه اجتماعی و بازگشت اعتماد عمومی کوشش شود. در این راستا برای بررسی ساز و کارهای بازیابی اعتماد عمومی، عملکرد دولت و لزوم پاسخگویی و سکوت اصلاح‌طلبان «آرمان ملی» و اسماعیل گرامی مقدم سخنگوی حزب اعتماد ملی و فعال سیاسی اصلاح‌طلب به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

اکنون ضرورت بازیابی اعتماد عمومی پیش از پیش احساس می‌شود، در این خصوص چه راهکاری باید در پیش گرفته شود؟

اعتماد عمومی به عوامل مختلفی وابسته است. اعتماد عمومی زمانی به وجود می‌آید که وضعیت مردم بهبود پیدا کند. انتظار مردم از حاکمیت و هر جریانی که حاکم می‌شود در قوای سه گانه، این است که امروزشان بهتر از دیروز باشد و وضعیت مناسبی به لحاظ معیشت اقتصادی داشته باشند. آزادی‌های سیاسی و آزادی بیان در اولویت‌های بعدی است. اما آنچه مهم است مردم صداقت را از مسئولان ببینند. یعنی در حادشه با اتفالی که رخ می‌دهد، مسئولان صداقت به مردم بگویند به چه دلیلی این تصمیم اخذ شده و پیامدهای اخذ این تصمیم چیست؟ در این صورت است که قاعدتا اعتماد مردم بر می‌گردد و پشت حاکمیت و نظام خواهند ایستاد. در سال‌های اخیر اتفاقاتی رخ داد که آن اعتماد از بین رفت. یکی از مهم ترین بی‌اعتمادی‌هایی که در انتخابات به وجود می‌آید؛ همین نظرات است. یعنی نظراتی که در برخی از مواقع اتفاق درست عمل می‌کند ولی مجموع عملکرد آن نشان می‌دهد که رویکرد سیاسی دارد. از یک جریان سیاسی تمام یا اکثر نامزدها درصالحیت می‌شوند و نامزدهای در اولویت بعدی جریان مقابل تنها در صحنه می‌آیند. از یک جریان سیاسی تقریبا همگی تایید می‌شوند. این نوع رفتار باعث بی‌اعتمادی می‌شود. با کاهش اعتماد عمومی بازسازی آن دشوار و زمان بر است. ممکن است از دست رفتن اعتماد مردم با سرعت بیشتری انجام شود ولی حتما ترمیم‌نایدی و بی‌اعتمادی سخت و دشوار است. به هر حال روسای جمهور و نمایندگان مجلس قول‌ها و وعده‌هایی می‌دهند که اگر جامه عمل نپوشند آن وقت بی‌اعتمادی بیشتر دامنگیر خواهد شد.

در سخنان خود اشاره به نظرات و نقش آن بر اعتماد عمومی داشته کردید، این در حالی است که پنج سال از ابلخ سیاست‌های کلی انتخابات از سوی رهبری نظام می‌گذرد، چرا این سیاست‌ها به نتیجه مشخصی نرسیده‌است؟

روشن است که ساز و کار انتخاباتی در کشور ما مبتنی بر احزاب سیاسی نیست. انتخابات اگر در کشور ما سامان پیدا کند و ساز و کار آن متفاوت بشود، می‌تواند به تغییرات در احزاب هم بینجامد. چون نظام انتخاباتی کنونی فرد محور است و نه جمع محور و حزب محور؛ این امر آسیب‌های جدی به جامعه، شکل گیری احزاب سیاسی و هم خود دستگاه نظارتی وارد می‌کند. سال‌هاست نظرات در نزد افکار عمومی با انصاف شناخته نمی‌شود. علت این امر در این است که خود دستگاه نظارتی وارد در صلاحیت می‌شود. در حالی که اگر انتخابات ما به سوی یک انتخابات حزبی پیش برود، این

اقناع یا اجبار در حفظ جان مردم؟!

ادامه از صفحه اول / اما متأسفانه کشور ما هم جزء آن کشورها بود که هم غافلگیر شد و هم موضوع را جدی نگرفت و هم در ادامه کج‌راورمیز و بی‌برنامه به مقابله با این بیماری پرداخت؛ متأسفانه ما هیچ شید و برتلفات را در نظر نگرفتیم تجربه کرده‌ایم و طبق گزارش خبرگزاری ایسنا اکنون مقام هشتم از نظر ابتلا و مرگ‌ومیر را کسب کرده‌ایم و اگر نسبت به جمعیت بسنجیم جزء چند کشور اول کرونازده جهان هستیم؛ بالاخره مصائب خرید واکسن را پشت‌سر گذاشتیم و ظاهرا اکنون در این مورد مشکلی وجود ندارد. ولی حالا مشکل دیگری در حال بروز و ظهور است که برخی‌ها به زدن واکسن نیستند و برخی واکسن زدن را تشویق می‌کنند و دولت هم به‌جای اجباری کردن آن مایل به اقناعی کردن ضرورت واکسن زدن است؛ بدیهی است هیچ‌کس را نباید به زور واکسن زد ولی وقتی پای سلامت و حیات و مرگ افراد در میان است، اجباری شدن آن نه تنها توجیه‌پذیر در آن منطق مستحکم‌می‌شود بلکه ضرور

مهدی ذاکرین در گفت و گویا «آرمان ملی»:

گشایش مناسبات اقتصادی تابع سیاست خارجی فعال است

روابط خارجی بدون ارتباط بازرگانی ایجاد نمی‌شود

ارسال رازین بازرگانی جای تعجب است!

آمریکارو با در رویه خودشان تجدیدنظر کنند



آرمان ملی: روز یکشنبه ۲۵ مهر ماه در حاشیه حضور حسین امیر عبداللهیان، وزیر خارجه در مجلس برای بررسی آخرین تحولات حوزه سیاست خارجی با نمایندگان مجلس، اعلام شد که به زودی ۳۵ رازین بازرگانی برای فعال کردن دیپلماسی اقتصادی به نمایندگی‌های سیاسی جمهوری اسلامی در خارج از کشور اعزام می‌شود و همچنین میز ترانزیت در وزارت امور خارجه راه اندازی می‌شود. این در حالی است که دیپلماسی اقتصادی در دولت قبل نیز در وزارت خارجه به کار گرفته می‌شد حال باید دید که دستگاه سیاست خارجی در دولت جدید در حوزه دیپلماسی اقتصادی چگونه عملکردی از خود بر جای خواهد گذاشت. در این راستا برای بررسی تحولات حوزه دیپلماسی اقتصادی و از سرگیری مذاکرات احیای برجام «آرمان ملی» با مهدی ذاکرین، تحلیلگر مسائل بین‌المللی به گو پرداخته است که می‌خوانید.

چایگاه دیپلماسی اقتصادی در دولت‌های گذشته و فعلی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همه دولت‌های ایران از دولت موقت مرحوم مهندس بازرگان تا دولت آقای رئیسی، همه معتقد به همکاری و داشتن روابط اقتصادی با دنیا هستند. اما خطای همه این دولت‌ها در این نکته است که فکر می‌کنند دیپلماسی اقتصادی یک جزیره‌ای تنها در وسط قایقوس است که باید در این جزیره پیاده شد. دیپلماسی اقتصادی در یک گردونه‌ای از دایره‌ها قرار دارد. در واقع یک گوی از چند گوی یک گردونه است که در حال چرخش است. سایر گوی‌های این گردونه گوی فرهنگ، گوی اقتصادی، گوی سیاسی، گوی نظامی، گوی اجتماعی، گوی هنر و گوی سینما و... است. لذا اینکه تصور کنیم یک جزیره جداسافتظ است. دیپلماسی اقتصادی در یک منظومه‌ای قرار می‌گیرد که در آن منوط به واقع ما دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی غیر رسمی، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی پارلمانی و... داریم. دیپلماسی در این مجموعه جلوب می‌دهد و اگر سایر حوزه‌ها کار نکنند، سخن گفتن از دیپلماسی اقتصادی نادرست است. فلذا هم دیپلماسی رسمی شما هم دیپلماسی ورزشی و... باید فعال باشند و باهم کار کنند تا جواب بدهند. دیپلماسی اقتصادی به صورت انحصاری در هیچ کجای دنیا جواب نمی‌دهد. یعنی چه؟ یعنی اگر یک کشوری روابط خوب با دنیا نداشته باشد، نمی‌تواند در روابط تجاری خوب با دنیا داشته باشد. اگر یک کشوری در میان اندیشمندان سایر کشورها چهره مثبت و صحیحی از آن به وجود نیاید به عبارتی دیپلماسی غیر رسمی، دیپلماسی علمی آن خوب نباشد. دیپلماسی اقتصادی آن هم پیش نمی‌رود. اگر یک کشوری در میان افکار عمومی مردم یک کشور دیگر به صورت یک کشور بدنام معرفی بشود و دیپلماسی عمومی آن موفق نباشد، دیپلماسی اما امریکایی‌ها به تعهدات خودشان عمل نکنند و خطا اقتصادی به نتیجه نمی‌رسد. اینها همه در کنار هم است و پاسخ می‌دهد. بنابراین وقتی در مورد چایگاه آن در سیاست خارجی دولت فعلی و دولت‌های گذشته صحبت می‌شود، می‌گویم از ابتدای شکل گیری تا به امروز چایگاه، یکنواختی نداشته و فکر می‌کردن این یک جزیره است و در این جزیره باید متمرکز شد و کار کرد. موقشیت این منوط به این است که سایر حوزه‌های دیپلماسی هم مورد توجه قرار گیرد تا دیپلماسی اقتصادی پاسخگوی نیازهای یک کشور باشد.

چند روز پیش اعلام شد به زودی ۳۵ رازین بازرگانی توسط وزارت امور خارجه با هماهنگی دستگاه‌های ذیربط در راستای دیپلماسی فعال اقتصادی انتخاب می‌شوند. این اقدامات را چگونه ارزیابی می‌نمایید و چه صورتی می‌تواند موفق باشد؟

معتمد این اقدامات در صورتی موفق خواهد شد که وارد کرده است. زبان دزدان ایران است و کسی هم که خسارت وارد کرده ایالات متحده امریکاست. بنابراین ایران باستانی اعلام کند هر چه تعهدات بین‌المللی می‌شود به ریایه آن تعهدات می‌خواهم امریکایی‌ها عمل بکنند و ما هم به همه تعهدات بین‌المللی خودمان پایبند هستیم.

دارد که به چاله بی مسئولیتی برخی از افراد دچار شویم و آنها با عدم دریافت واکسن عامل پایداری اپیدمی شوند و بی‌تعارف در قتل برخی هموطنان خود شرکت جویندا آمار رسمی، از مرگ بیش از ۱۲۰ هزار نفر حکایت دارد و آمار غیررسمی بنا بر اعلام معاون وقت وزیر بهداشت تا ۳ برابر آن است. قطعاً بخشی از این مرگ‌ها و ابتلاهای سخت و پر درد ناشی از لجاجت یا اهمال سفر کنندگان، اجازه‌دهندگان، ماسک نزن‌ها و از این پس واکسن نزن‌هاست. اجبار افراد به واکسن زدن از طریق عده ارائه کننده خدمات دولتی، شهری، حمل‌ونقل عمومی و هر نوع حضور در اماکن عمومی جلوگیری از آسیب رساندن جانی به افراد جامعه است و کسانی که واکسن نزندن را تشویق می‌کنند در برابر خطری که برای جان شهروندان ایجاد می‌کنند مسئولیت قانونی و حتی قضایی دارند و تقصیر آنها حفاظت از جان مردم است. مسلمانا محتاط از جان مردم آن‌هم با این گسترده‌گی، از وظایف حتمی حاکمیت و دولت است. خدا کند در این مورد مثل ماجرای خرید واکسن دچار اهمال و قصور و تقصیر نشویم و پس از دریافت خسارات بزرگ و گسترده سرمایه به جاده‌جویی نبردازیم.

گزارش

اندر احوال رشته‌دانشگاهی امر به معروف ونهی از منکر

صادق زیباکلام: شاید بخشی از اختراع رشته‌ها و واحدهای درسی برای اشتغال‌زایی است

آرمان ملی – امید کاجیان: رشته دانشگاهی با عنوان «امر به معروف ونهی از منکر» درست خواندید این عبارتی است که رئیس قرارگاه احیای پیشین امر به معروف ونهی از منکر آن را مطرح کرده و گفته است: قرار است رشته‌ای در مقاطع ارشد و دکتری به عنوان رشته امر به معروف ونهی از منکر راه‌اندازی و محتوای درسی در این زمینه تولید شود. او اعلام داشته اعضای هیأت علمی متخصص و علاقه‌مند می‌توانند در زمینه تولید محتوای کتاب‌های آموزشی این رشته با ستاد امر به معروف ونهی از منکر کشور همکاری کنند. اما مطرح شدن، آن‌هم به عنوان یک رشته و نه واحد درسی به نام امر به معروف ونهی از منکر، این سوال را ایجاد می‌کند که چه دروسی قرار است در آنجا ارائه شود و در نهایت، خواندن در این رشته چه عایدی برای فرد در آینده خواهد داشت؟ مگر نه اینکه دانشگاه باید مسیر آینده را پیش‌روی یک جوان قرار دهد. آیا قرار است هدف پرورش عده‌ای در این زمینه، تدریس دوباره این رشته برای نسل‌های متوالی باشد و فقط همین؟ قطعاً که رشته دانشگاهی باید با اهداف بلندمدت و به ضرورت نیاز کشور ارائه شود و در این میان وجود رشته‌هایی که در کشور‌های مختلف تعریف شده‌اند به تحصیل آن در ایران هم رسمیت می‌دهد. پرسش این است که مطالعه در رشته امر به معروف ونهی از منکر منطقی با کدام یک از رشته‌های شناخته شده در دنیا است؟ چه هدفی را دنبال می‌کند؟ اینکه آیا اساساً هر روش تبلیغی، تبلیغ است؟ پیش از این هم برخی از واحدهای درسی دانشگاهی به‌ویژه بعضی از آنها‌یی که به‌عنوان واحد درس عمومی ارائه می‌شوند از دیرباز محل بحث خیلی از دانشجویان بوده و این مسأله را مطرح می‌کردند که اساساً وقتی کسی در دنیا این واحدها را به‌عنوان یک درس تخصصی (یا تخصصی) چرا باید خوانده شوند. در این میان، آنهایی که در رشته علوم انسانی مطالعه می‌کنند با چالش‌های دوچندان روبه‌رو بودند چرا که در زمانی است که موضوع تغییرات اساسی در علوم انسانی و آنچه که به نظر برخی اساتذمی شدن علوم انسانی خوانده می‌شود، مطرح و البته بخش عمده‌ای از آن عملی شده است. از چند سال قبل مسأله غربی بودن بسیاری از علوم انسانی در دانشگاه‌های کشور باعث حذف بخشی از دروس و اضافه شدن بخش دیگری از دروس اسلامی شده بدان بوده است. اما آیا از این طریق، اهداف موردنظر تأمین می‌شود؟

دانشجو را در نظر بگیرد

صادق زیباکلام استاد دانشگاه در این باره به «آرمان ملی» می‌گوید: «به هر حال ساختار ایدئولوژیک موجود اعتقاد به این دارد که یکسری مسائل درست و یکسری مسائل غلط است و طبیعتاً می‌خواهد کاری کند که مردم ایران هم به همان باورهای آنها اعتقاد داشته باشند. برای همین راهکارهای متفاوتی در آموزش و تعلیمات تعاید را در نظر می‌گیرد. رادوبو تلویزیون، نهادهای سخنرانی‌های خاص و تریبون‌ها و... بخشی از مجاری‌های ترویج این موضوع است. در مدارس هم تحت کنترل است، طبیعتاً مطرح و دانش‌آموزان با آن روبه‌رو شده و از آن تبعیت می‌کنند. مشکل اصلی آنها در دانشگاه است، چرا که هر قدر مدارس تحت کنترل است و هر تکنه‌ای که خواسته شود آموزش داده می‌شود، دانشجوینان این آموزش‌ها را می‌بینند. چرا که دانشجو آنچه در ساختار می‌خواهد بگوید درست و یا نادرست است را به چالش می‌کشد؛ با این حال در تمام این سال‌ها عده‌ای تلاش می‌کردند در دانشگاه هم انحصار تبلیغ را به دست آورند و هر آنچه می‌گویند دانشجوها قبول کنند. اما این اتفاق نمی‌افتد چون در دانشگاه افراد نشان بیشتر به‌جای سردرمایی‌هاست، سوادشان هم همین طور. در دانشگاه‌های دانشجوها مختلف شکل می‌گیرد و مطرح می‌شود و جوان دانشجو خود را دارای خرد و منطق مستقل می‌داند.» وی ادامه می‌دهد: «عده‌ای برای آن بخوانند این آرا و اندیشه را کنترل کنند. به تقریبی در علوم انسانی در دانشگاه‌ها پرداختند. اما ظرف چند دهه گذشته این موضوع خیلی نتوانسته موفق باشد. عده‌ای اما امید را از دست نداده و به آنچه که اسلامی کردن علوم انسانی می‌انمند می‌نامند «دیپلماسی فرهنگی» و «زیباکلام» بیان اینکه نزدیک به ۳۰ عنوان اسلامی و یا ایدئولوژیک مانند در دفاع مقدس مطرح شده، به صورت کلی چندین عنوان ذیل اسم مسائل اسلامی و یا از این قبیل عناوین در دروس علوم سیاسی گنجانده شده‌اند. این واحدها باید در همان چارچوب ۱۳۷ تا ۱۴۰ واحد درسی خوانده شوند. اما برپس این است که آیا این واحدها فرد می‌تواند به بلوغ سیاسی در این رشته برسد؟» وی ادامه می‌دهد: «همه این دروس اغلب یک نام و عنوان هستند، ولی وقتی وارد محتوای دروس می‌شوید باید ببینید محتوا چندقدر تخصصی است یا چقدر می‌تواند در مسیر شناختن دانشجو از آن رشته کام بر دارد؟ به نظر می‌آید برنامه‌ای در این راستا وجود ندارد و هیچ‌گاه این سنت‌سخت صورت گرفته که از این نوع عملکرد چه اندازه عایدی نصیب خود آنها می‌شود و چه اندازه نصیب دانشجو. یک جوان هجده ساله وقتی وارد دانشگاه می‌شود چهار سال بعد ۱۳۵ واحد درسی خوانده است، چقدر از دروسی که اصطلاحاً آن را استانی می‌خوانند را در عرصه علوم انسانی استفاده کرده و از سویی دیگر خلق و خویش آن گونه که ساختار می‌خواسته تغییر یافته و به آنها نزدیک شده است. به نظر می‌آید که فعلاً تنها می‌خواهند به ارائه یکسری درس در این زمینه بپردازند، ضمن اینکه عده‌ای هم از این راه اشتغال هم ایجاد می‌کنند.» وی ادامه می‌دهد: «اما در مورد رشته امر به معروف ونهی از منکر باید توجه کنیم اینجا دیگر پای یک رشته در میان است نه چند درس و واحد واحد و این ما را با ابهامات بیشتری روبه‌رو می‌کند. اینکه در یک رشته‌ای که فعلاً برای ما میهم است چندین واحد درسی می‌خوانند «دیپلماسی فرهنگی» «زیباکلام» گفت: «البته باید این نکته را هم مورد توجه قرار دهیم که وقتی یک رشته‌ای مثلاً با عنوان امر به معروف درست می‌شود به هر حال جمعی در این راه تلاش می‌کنند و زحمتی می‌کنند، چون برای آن رشته باید واحدها و دروس‌های مختلف تعریف شود و یک نهادی، کاری را انجام می‌دهد و به هر حال عده‌ای از اینب این اقدامات با تدریس دروس، مغفلی برایشان ایجاد شود و از آن انتزاع می‌کنند به هر روی این هم بخشی از ماجراست.»